

شخصیت‌های فیلم‌های خوب، همچون انسان‌های واقعی زنده‌اند و اگر در فیلمنامه به اقتضای داستان، زندگی‌شان خاتمه یابد، در دنیای اذهان، نامیرا و ابدی‌اند. نقش‌های ماندگاری که به «تاریخ» می‌پیوندند؛ تاریخ حیات بشر.

«اتی»

در «بوتیک»

«اتی» عاشق پول و ثروت و پراید! است. می‌خواهد مثل بچه پولدارها سوار پراید شود. عینک دودی بزند، نوار بگذارد و صدای نوار را تا ته زیاد کند؛ چرا که معتقد است هیچ چیز از آنها کم ندارد و تازه از همه‌شان هم خوشگل‌تر است. «اتی» اما به هیچ وجه چنان شیفته اینها نیست که برای به دست آوردنشان حاضر به انجام هر کاری باشد.

گرچه ظواهر امر از وجود دختری فراری خبر می‌دهد؛ اما اتی لاقلاً تا به حال از ورطه فساد محفوظ مانده است و قصد آلوده شدن به آن را هم ندارد. می‌بینیم که به پیشنهاد پسرهای توجهی ندارد و حتی وقتی جهانگیر با پراید مشکی و عینک دودی به چشم، مقابلش بوق می‌زند و او را دعوت به سوار شدن می‌کند، همان اتی عاشق پراید، تا وقتی که جهانگیر را به جانی نمی‌آورد حاضر به سوار شدن نمی‌شود.

از سابقه تیره خود دل خوشی ندارد و با بلوف‌های خودساخته و بافته‌اش سعی در ساختن هویتی کاذب برای خود دارد؛ این که دانشجویست، در ساختمان‌های باکلاس رفت و آمد داشته، با آدم‌های باکلاس گشته، پدرش او را لب دریا می‌برده و می‌گفته بریم شنا، لب دریا زیر چتر نوشیدنی خنک می‌نوشیده، اسکی رفته و چون خیلی باکلاس است، چای و بستنی نمی‌خورد و در عوض کافه گل‌اسه میل دارد و هویج بستنی. اتی در عین معصومیت و مظلومیت ترجمه‌برانگیزش، پرشر و شور است و سرزنده و از خیلی جهات عین یوبو می‌ماند. بازی‌های بچگانه می‌کند.

از پله برقی برخلاف جهت حرکتش بالا می‌رود، عینک دودی به چشم می‌زند، گل لای موهایش می‌گذارد و با جاسوییچی عروسکی بازی می‌کند و حتی از این که جهانگیر، عروسک شاپوری را به او نداده گله می‌کند.

در عین حال مناعت طبع و غرور زنانه دارد. نمی‌خواهد زیر دین کسی باشد و تاکید می‌کند که قسط شلوار را به جهانگیر خواهد داد و ضمناً به جهان هشدار می‌دهد که با هم هویج بستنی خوردن، دلیل نمی‌شود که جهان به همه کار او دخالت کند و باید دنبال کار خودش برود و ضمناً روی عروسی کردن با اتی هم حساب نکند.

و بالاخره اتی دختری است بی‌نهایت تشنه محبت؛ راستین یا دروغین فرق نمی‌کند. برای همین محبت ظاهری شاپوری را به محبت واقعی جهانگیر که در ظاهر گاهی با خشونت همراه است، ترجیح می‌دهد و سرانجام هم قربانی همین عطشی می‌شود که زندگی سراسر غم و رنجش بر او تحمیل کرده است.

آزاد جعفری

با حضور در کلاس‌های بازیگری توانست استعدادهای خود را در این زمینه کشف کند و برای نخستین بار در سال ۷۵ با بازی در فیلم لاک پشت (علی شاه حاتمی) پا به عرصه تصویر گذاشت. یوسف مرادیان در سینما بیشتر در کارهای تجاری ظاهر شده است و در تلویزیون در کارهایی مانند مردان آنجلس، چهل سرباز و... حضور پیدا کرده است. با او به بهانه بازی در سریال کارآگاه علوی گفتگو کردیم. او از این تجربه به عنوان یکی از متفاوت‌ترین کارهایش یاد کرد.



با یوسف مرادیان بازیگر سریال کارآگاه علوی

جذابیت و ماندگاری نقش در سریال‌های تاریخی

بسیار لذت‌بخش بود و همین‌طور تاثیرگذار. احمد نجفی جدیت زیادی در کارش دارد و این جدیت در بهتر به تصویر کشیدن نقش اثر زیادی داشت. به هر حال خیلی چیزها از ایشان آموختم. نکاتی که در هیچ کتابی یا دانشگاهی نخوانده بودم. چرا که بیشتر این نکات تجربی بودند.

برای بازی در این مجموعه تمرین خاصی هم داشتید؟

چون قبلاً هم یک کار پلیسی بازی کرده بودم با فضای این کارها آشنا بودم. بنابراین برایم کار دشواری نبود و تمرین خاصی هم نداشتم.

به نظر شما، کارآگاه علوی ۱ موفق‌تر بود یا سری دوم آن؟

به نظرم هر دو قسمت مخاطبان خاص خود را داشته است. شاید به این دلیل که قصه‌ها، متعلق به سرزمین خودمان است و کاراکترها جدای از این سرزمین نیستند.

چرا در تلویزیون بیشتر در کارهای تاریخی ظاهر می‌شوید؟

به نظرم ژانر تاریخی، یکی از ژانرهای ماندگار عرصه نمایش است و بیشتر هم در ذهن‌ها باقی می‌مانند. مثل سریال هزاردستان، امیرکبیر، روزی روزگاری و... به هر حال از حضورم در این نوع کارها لذت خاصی می‌برم.

پس صرفاً به خاطر ماندگاری این آثار، در آنها حضور پیدا می‌کنید؟

به هر حال ماندگاری یک اثر بسیار دلنشین و دوست‌داشتنی است؛ البته بازی به جای افرادی که نقشی در تاریخ داشته‌اند هم مساله دیگری است که برایم جالب و جذاب است.

اما بازی در کارهای تاریخی همانقدر که جذاب هستند بسیار هم دشوارند.

بله. قطعاً همین‌طور است، اما وقتی به نتیجه کار فکر می‌کنم راحت می‌توانم سختی‌ها را تحمل کنم.

چه کارهایی را در نوبت پخش یا اکران دارید؟

فیلم‌های شاهزاده ایرانی، سینه سرخ و سوگند هنوز اکران نشده‌اند. تله‌فیلم هستی نیز در نوبت پخش است. همین‌طور سریال گل‌ریزان مدتی است که قرار است به روی آنتن برود، اما متأسفانه تا به امروز این امر میسر نشده است.

می‌شود گفت بازی در سریال کارآگاه علوی برای شما یک برگ برنده است؟

بله. چون همکاری در کنار آقای حسن هدایت و همین‌طور احمدنجفی تجربه بی‌نظیری برای من بود.

محبوبه ریاستی

داده است.

کدام یک از نقش‌هایتان تا به حال این ویژگی را داشته‌اند؟

در نسخه سینمایی، فیلم شاهزاده ایرانی، نقشی داشتم که این ویژگی را داشت. همین‌طور در فیلم غزل خیلی راحت توانستم به نقشم نزدیک شوم.

از حضورتان در سریال کارآگاه علوی بگویید.

از طرف خود آقای هدایت (کارگردان) به این کار دعوت شدم. بعد از دیداری که با هم داشتیم ایشان از من خواستند فیلمنامه را بخوانم و بعد از خواندن فیلمنامه از قصه‌های این کار خوشم آمد و مشخص بود که قصه‌ها سر حوصله نوشته شده‌اند. بنابراین پذیرفتم که ایفاگر نقشی در این کار باشم.

قبلاً کارآگاه علوی (۱) را دیده بودید؟

بله. خیلی هم از آن کار خوشم می‌آمد و احساس می‌کنم تمامی این قصه‌ها، قصه‌های سرزمین خود ما

اگر در سینما یا تلویزیون بازی خوبی را از کسی می‌بینید، این اتفاق نشأت گرفته از سناریو است. این سناریو است که نقش را در اختیار بازیگر قرار داده است

است و کپی‌برداری نیست. به هر حال ارتباط خوبی با کلیت کار داشتیم و شخصیت‌های آن برایم بیگانه نبودند.

اساساً فکر می‌کنید مخاطب تلویزیون چقدر با قصه‌ها و مجموعه‌های کارآگاهی و پلیسی می‌تواند ارتباط برقرار کند؟

اکثر مردم از ماجراهای پلیسی خوششان می‌آید و آنها را دنبال می‌کنند و حتی در حل بعضی از معماها پیشقدم می‌شوند. به هر حال هر انسانی یک شم پلیسی دارد. من هم شخصاً علاقه‌مند هستم و لذت می‌برم.

فکر می‌کنید قصه‌های کارآگاه علوی ۲، آن جذابیت پلیسی را داراست؟

چون خودم در این کار حضور داشتم نمی‌توانم قضاوت درستی داشته باشم، اما فکر می‌کنم پیچیدگی‌های لازم را داشت.

احمد نجفی پارتنر اصلی شما در این مجموعه است. بازی در کنار ایشان چگونه تجربه‌ای بود؟

چه انگیزه‌ای باعث شد که پس از کسب تجربه‌هایتان در سینما مقابل دوربین تلویزیون ظاهر شوید چرا که بیشتر شما را به عنوان یک بازیگر سینمایی می‌شناسند؟

فضای کار در تلویزیون طی این سال‌ها به مراتب خیلی نسبت به قبل فرق کرده است ضمن این‌که بزرگان سینما به نوعی به سمت تلویزیون آمده‌اند و کارهای درخشانی هم به معرض گذاشته‌اند. بنابراین من هم خواستم فضای تلویزیون را آن هم باتوجه به طیف وسیع مخاطبانش امتحان کنم. بنابراین اگر کار خوبی در تلویزیون پیشنهاد شود حتماً می‌پذیرم و اساساً معتقدم که بازیگر در تلویزیون خیلی راحت‌تر می‌تواند به نقطه ضعف خود پی ببرد. چرا که خیلی بیشتر از سینما مورد قضاوت مردم قرار می‌گیرد.

کارهایتان را بر چه اساسی انتخاب می‌کنید؟

در وهله اول باید آن پیشنهاد طوری باشد که من را به طرف خود جذب کند، هر کاری از دیدگاه من دو وجه دارد: ۱- کارگردان ۲- فیلمنامه اگر قصه طوری نوشته شده باشد که بتوانم با کاراکترهای آن ارتباط برقرار کنم حتماً آن کار را می‌پذیرم.

چرا اکثر بازیگران فیلمنامه برایشان اهمیت دارد؟ در صورتی که ممکن است یک قصه خوب توسط کارگردان خراب شود؟

ببینید زیباترین اتفاق زمانی می‌افتد که قصه در حال نوشتن است. وقتی قصه درست نوشته شده باشد، قطعاً بازیگر یک کلیدهایی در آن پیدا می‌کند تا راحت‌تر و نزدیک‌تر به نقش برسد. در غیر این صورت بازیگر دچار مشکل می‌شود.

پس نقش کارگردان چه می‌شود؟

کارگردان تنها بازی بازیگر را رتوش می‌کند و احساسات او را به کنترل خود در می‌آورد. بنابراین نقش اصلی را فیلمنامه ایفا می‌کند و در فیلمنامه خوب است که نقش خوب هم پیدا می‌شود.

ولی خیلی از هنرمندان در حال حاضر از فیلمنامه‌ها گلایه‌مند هستند؟

ای کاش به همان اندازه که به یک سری مسائل بهای مادی داده می‌شود، برای فیلمنامه‌های موثر و درست، هزینه صرف می‌شد. ای کاش به افرادی که توانایی نوشتن فیلمنامه خوب را دارند فرصت می‌دادیم تا این قدر دچار قصه‌های کلیشه‌ای نمی‌شدیم. معتقدم اگر در این مورد سرمایه‌گذاری کنیم قطعاً جواب مثبتی هم خواهیم گرفت. اگر در سینما یا تلویزیون بازی خوبی را از کسی می‌بینید، این اتفاق نشأت گرفته از سناریو است. این سناریو است که نقش را در اختیار بازیگر قرار